روزنامه شرق
instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

گزارش

ناگفته‌های یک انجمن حقوق کودک از آسیب‌های مهاجران افغانستانی

باید نگاه جدی‌تری به مهاجران داشت

شـــرق: امروزه خانواده‌های بســـیاری از هم‌وطنان ما درک عمیقی از مهاجرت و مشـــکلات مربوط به آن دارند. مهاجرت در هر شـــرایطی ســـخت اســـت. مـــا در انجمن پرنـــده درخت کوچـــک در راســـتای کاهش آســـیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنیم و همه‌روزه با مهاجران و مشـــکلات آنان مواجه هســـتیم. مهاجران ایرانی از روســـتاهای دوردســـت و مهاجران افغانســـتانی از شهرهای مختلف افغانســـتان، هرکدام قصه پرغصه خود را دارنـــد. هـــر دو از فقر و نبـــود امکانات می‌گوینـــد که همه اینهـــا منجر به آسیب‌های متنوعی در جامعه خواهد شد.

مهاجـــر ایرانی که چندی پیش به اجبار راهی حاشـــیه‌های شـــهر تهران شـــده، در گفت‌وگویی دوستانه به ما می‌گفت: «در روستای خودمان خانمی می‌کردیم. سرپناهی داشتیم و فامیلی که با هم خوش بودیم. حالا دیگر آب و آبادانی نیســـت. هیچ امکاناتی هم نیست. در تهران در خانه‌های مردم کار می‌کنم و شوهرم نیز کارگر روزمزد است».

گزارش «شرق» از ماجرای گروگان‌گیری افغانستانی‌ها توسط باندی ایرانی و پاکستانی در حاشیه شهر تهران

گروگان‌گیرهایی در همین نزدیکی

نسترن فرخه

«دست و پای پسرجوانی را محکم بستند و تمام تنش مملو از زخم‌های چرکین شده است. دوربین روی پارگی عمیق کمرش می‌ایستد. صدای ناله‌های این جوان پشـــتو در فیلم به گوش می‌رسد که از خانواده‌اش می‌خواهد تا هرچه زودتر پول را به حساب گروگان‌گیرها بریزند و او آزاد شود». ماجرا از دی‌ماه سال قبل شروع شـــده بود؛ گروهی ایرانی و پاکستانی که با یک روند ثابت، افغانســـتانی‌های فاقد اوراق هویتـــی را به گروگان می‌گرفتند و با ارســـال فیلم‌های شکنجه آنها برای خانواده، طلب پول می‌کردند. مبالغی بین ۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان که باید به حســـابی در پاکستان واریز می‌شد. این ماجرا میان تمام خانواده‌های افغانســـتانی ساکن درکن پیچیده بود و برای همین تمام فصل زمستان کمتر خانواده افغانی از ترس ربایش در کوچه و خیابان‌ها تردد می‌کرد. در همان ایام، روایت گروگان‌گیری‌ها همراه با فیلم‌های شکنجه و کتک‌زدن قربانی‌ها دست‌به‌دســـت می‌شد و حتی یکی از این ویدئوها هم به دست خبرنگار رسیده است؛ ولی هیچ قربانی‌ای از ترس تهدیدهای مکرر این باند، اقدام قانونی نکرد. با وجود این، تلاش‌های خبرنگار «شرق» پیش از فروردین‌ماه برای پیگیری موضوع به جایی نرسید و بیشتر قربانی‌ها برای همیشه به افغانستان بازگشتند. پس از آن با همکاری انجمن پرنده درخت کوچک، آخرین قربانی ربایش حاضر به گفت‌وگو درباره آنچه بر او گذشـــته شـــد. جوانی که به دلیل مطرح‌کردن شـــکایت در آگاهی شاپور و بازداشت تعدادی از این گروگان‌گیرها در فروردین سال جاری، باعث تمام‌شدن این ماجرا درکن شـــد. هرچند هنوز تعدادی از این گروه بازداشت نشده‌اند و در سطح شهر آزاد هستند.

عکس: مجید خواهی، ایسنا

زمســـتان ســـال قبل متوجه شـــدیم، تعداد کودکانی کـــه باید به انجمـــن بیاینـــد هـــر روز کمتر می‌شـــود. با پیگیـــری، از ماجرای عجیـــب گروگان‌گیری افغانســـتانی‌های غیرقانونی منطقه کن مطلـــع شـــدیم. برای همین کمتر خانواده‌ای اجازه می‌داد فرزندش از خانه بیـــرون بیاید. حتـــی برخـــی درِ خانه‌های خود را قفلَ می‌کردنـــد و از داخل آن‌قدر وســـیله پشت آن می‌گذاشـــتند کـــه کسی نتواند وارد خانه شود. آن زمان در محل پیچیده بود که گروهی درحـــال آدم‌ربایـــی هستند.

... به اسکودا می‌رفتیم، همه از ترسشان قرار را کنسل کردند».

... میان این روایت‌ها، میترا امام ماجرای گروگان‌گیری جوانی را بیان ... از ترس به افغانســـتان رفت و دیگر هم برنگشـــت: «پســـر جوانی ... محله کن او را گرفتند، ماشـــینی با سرنشین ایرانی جلوی او را ... سد تو افغان هســـتی؟ این پســـر جوان هم تصور می‌کند آنها ...

... می‌گرفتند و از او مدرک قانونی می‌خواســـتند. البته غیر من هیچ‌کس را سوار ماشـــین نکردند. خلاصه چرخ‌زدن‌شـــان که تمام شـــد، در جایـــی مثل تونل توحید چشـــمان من را بســـتند. وقتی به مقصد رســـیدیم من را از کاپشنی که به تن داشـــتم، بلند کردند و با چشم بسته راه می‌بردند؛ هرچند چون جایی را ... نریزید، قلب پســـرت را درمی‌آوریم. آن‌قدر شرایط بد بود که مادرم در تماس تصویری از هوش رفت. با دســـته چاقو به استخوانم می‌کوبیدند یا چاقو را بر روی پیک‌نیک داغ می‌کردند و بر روی بدنم می‌گذاشتند. تمام دست‌وپای من ورم کرده بود و نمی‌توانستم آنها را تکان دهم. این کارها را می‌کردند تا فیلم ... بدن‌درد شـــدیدی داشـــتم و از هرچیزی، حتی ســـایه خودم هم می‌ترسیدم. بااین‌حال به کلانتری شـــاپور رفتم و شکایتی ثبت کردم. آنها هم چند روز بعد با شـــماره پلاکی که داشتم، آن راننده تاکســـی را پیدا کردند. متوجه شدم آن پنج میلیون آخر که از من می‌خواســـتند کرایه آن راننده بوده تا من را به جاده ...

وقتی خیر عمومی به محاق رفت

معلمان و دانش‌آموزان؛ بازندگان یک سیاست سودمحور

زهرا معرفت

در آســـتانه آغاز ســـال تحصیلی جدید، مشـــکلات آموزش و پرورش تکرار می‌شود؛ یک طرف قضیه، کمبود معلم است؛ آن‌قدر که اولین ابلاغیه رئیس دولت چهاردهم در شـــورای عالی آموزش و پرورش، بـــه مجوز به‌کارگیری ۷۰ هزار معلم بازنشســـته اختصاص پیدا می‌کند. طرف دیگر، کمبود مدارس دولتی و البته کمبود مدارس دولتی باکیفیت اســـت. مدارس دولتی، تنها راه ادامه تحصیل فرزندان خانواده‌های کم‌توان است؛ خانواده‌هایی که حتی در تأمین حداقل نیازهای اساســـی خود ناتوان هستند، در شرایطی که مدارس دولتی ســـخت پیدا می‌شـــوند، برای ثبت‌نام فرزندان خود دچار مشـــکلات بسیاری هستند. تعداد این خانواده‌ها به‌خصوص در سال‌های اخیر افزایش بســـیاری یافته اســـت و طیف وســـیعی از خانواده‌های کارگـــری را نیز دربر می‌گیرد. اما آنها که کمی بیشـــتر دستشان به دهانشان می‌رسد، خود را به هر دری می‌زنند تا با ثبت‌نام فرزندانشـــان در بهترین مدارسی که از پس تأمین بودجـــه آن برمی‌آیند، از ماراتن آموزش باکیفیت، عقب نمانند. تأمین هزینه مدارس غیردولتی برای این خانواده‌ها نیز دشوار است اما در کمبود مدارس دولتی باکیفیت، از نظـــر آنها، این تنها راه برای تضمین آینده فرزندانشـــان است. این وسط تنها قشر مرفه جامعه از مشکلات آموزش مبرا هستند؛ آنها هم به بهترین معلم‌ها و هم بهترین و مجهزترین مدارس دسترسی دارند.

•••

چگونه به اینجا رسیدیم؟

اما چگونه به اینجا رســـیدیم؟ این مسیر از اوایل دهه ۷۰ و با عقب‌نشینی دولت از اساسی‌ترین مسئولیت‌های خود آغاز شد. سیاست تعدیل ساختاری که بعد از جنگ، طرفـــداران پرقدرتی پیدا کرده بود، بـــا ارائه تعریف تازه‌ای از وظایـــف دولـــت به‌تدریج بســـیاری از مناســـبات را تغییـــر داد. واگذاری مســـئولیت‌های حکومتی نیز در راســـتای اجرای همین سیاست و مهم‌ترین ...

یادداشت

سمن‌های محیط‌زیست رهیافت جامعه در حل مشکلات

ساغر شمسی

در تقـــارن معنادار رشـــد جامعـــه صنعتی و علم محیط زیســـت که هرکدام حلقه اهداف خود را پیش می‌برند توده این محصولات جدید بشری نیازمند حلقه‌ها و واسطه‌هایی است. این حلقه‌ها با برقراری اتصالی محکم پیش‌برنده اهداف اصلی و اساسی است که در جهت نیازهای جدید شـــکل گرفته‌اند. از جمله این حلقه‌ها می‌توان به مؤسســـه‌های مردم‌نهاد (NGO) اشـــاره کرد. انجمن‌های مردم‌نهاد همان‌طور که از نام آن پیداست توســـط اعضای جامعه بدون هیچ عنوان دولتی و برای دستیابی به اهداف مدنـــی، اخلاقـــی، زیســـت‌محیطی و... تشـــکیل می‌شـــوند. ایـــن ماهیـــت اجتماعی‌بودن در پاره‌ای از موارد به خاطر پشـــتوانه مردمی، بســـیار با اقبال روبه‌رو اســـت و در برخی موارد به‌دلیل رفتارهـــای انتخابی در دولت‌ها یک نقطه ضعف به شمار می‌رود اما زمانی سنبه این نهادها پرزور خواهد شد که قوانین تعیین‌شده توسط حکومت از آنها پشتیبانی کرده باشد و در نهایت این قانون مانند برگ برنده‌ای در دســـت نهادهاســـت که از آنهـــا در برابر تغییر افرادی که به قدرت می‌رســـند و در نتیجه می‌توانند ســـلیقه‌ای رفتار کنند از آرمان‌هـــای این گروه محافظت می‌کند. اما ســـمن‌ها چطور می‌توانند قدرت اجرایی و اظهار نظر را به دست بیاورند؟ «پییر بردو» جامعه‌شناس فرانسوی تعریـــف قابل تأملی از مفهوم قدرت دارد. به باور بردو قدرت یعنی «ظرفیت شـــکل‌دادن به دامنـــه عمل دیگـــری» و کـــه دامنه عمل برای مؤسســـات مردم‌نهاد زیست‌محیطی به معنای داشتن حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و انتقال خواســـته‌های مردمی به نهادهای دولتی اســـت و همچنین انتظار همکاری متقابل و شنیده‌شـــدن از سمت ایشـــان است. و این مهم در حیطه اختیارات یک دولت اســـت تا ظرفیتی را برای عملی‌شـــدن این حقوق شکل دهد امـــا انجمن‌های مردم‌نهاد که در راســـتای اهداف محیط زیســـت گام برمی‌دارند عمـــلا کمترین ظرفیت ممکن را در این حوزه در اختیار دارند. اگر دامنه عمل در جنبش‌های زیســـت‌محیطی مقدار مناســـبی نداشته باشد به نظر می‌آید قبل از اینکه در حوزه محیط زیست دچار شکست بشویم در حوزه اجتماع و بهره‌مندی از نظرات افراد دلســـوز جامعه که زیر پرچم یک انجمن جمع شـــده‌اند شکســـت خواهیم خورد و این یعنی ازدست‌دادن تلاش‌های جمعی فارغ از مسائل مالی برای اجتماع. اگر در عمل نتوان فضایی عاری از ...

خبر

سازماندهی نیروهای خرید خدمات سال گذشته در سال تحصیلی جدید

ســـخنگوی وزارت آموزش و پـــرورش اعلام کرد کـــه نیروهای خرید خدمات ســـال گذشـــته آموزش و پرورش در سال تحصیلی جدید نیز سازماندهی می‌شوند. علی فرهادی درخصوص شرایط فعالیت و به‌کارگیری نیروهای خرید خدمات آموزشـــی اظهار کرد: شـــرکت‌هایی که با آموزش و پرورش دارای قرارداد باشـــند و بیمه اینها نیز واریز شده باشد، در کلاس‌های درس در سال تحصیلی ۱۴۰۳ـ ۱۴۰۲ حضور داشته و همچنین نیروهایی که دارای مدرک تحصیلی معتبر باشـــند و ســـایر شـــروطی که پیـــش از این در بخش‌نامه نیز اعلام کرده‌ایم را دارا باشـــند، به‌کارگیری می‌شوند. به گفته او، قطعا آن دسته از معلمان خرید خدماتی که دارای سابقه بیشتری هستند در اولویـــت همـــکاری هســـتند امـــا تمامی افـــرادی کـــه در ســـال تحصیلی ۱۴۰۲ـ ۱۴۰۳ ســـر کلاس بودند، به‌کارگیری می‌شوند در واقع نیروهای خرید خدمات سال گذشته آموزش و پرورش سال جدید نیز سازماندهی می‌شوند.

ســـخنگوی وزارت آموزش و پرورش تعداد این افراد را حدودا ۲۶ هزار و ۳۰۰ نفر اعلام کرد و گفت: البته تعدادی از اینها در آزمون‌های اســـتخدامی قبول شده‌اند اما آن تعداد باقی‌مانده نیز به هر تعدادی که باشند، به‌کارگیری می‌شوند.